

چالش‌های پیش روی بانک مرکزی

حسین توکلیان

فرض کنید جمشید فردی بر جسته به لحاظ علمی باشد که قرار است به‌عنوان عضو هیات علمی در دانشگاهی به مدت ۳۰ سال مشغول به کار شود، وی پس از یک سال کار در این دانشگاه به دلایلی تصمیم می‌گیرد در دانشگاه دیگری مشغول به کار شود. باین حال او پس از یک سال کار کردن در این دانشگاه دوباره تصمیم می‌گیرد در دانشگاه سومی مشغول شود. اما این بار دانشگاه سوم از وی خواهد پرسید که از کجا باید مطمئن باشیم که همکاری شما با دانشگاه ۳۰ سال به طول خواهد انجامید؟ این یک مثال ساده از یک نظریه مهم اقتصادی در بانکداری می‌گردد. این است که بر اساس آن اگر سیاست‌گذار در ابتدای دوره اجرای سیاستی را به عموم اعلام کرده و بیان می‌دارد که این سیاست را در آینده نیز در پیش خواهیم گرفت، باید چشم‌انداز زمانی آنی را کنار گذاشته و به سیاست اعلامی تعهد داشته باشد. اما زمانی که دوره بعد فرامی‌رسد، سیاست‌گذار به این نتیجه می‌رسد که بهتر است در دوره جدید سیاستی متفاوت از سیاست اعلامی انجام دهد. این نظریه به‌عنوان «ناسازگاری زمانی» شناخته می‌شود که در صورت وقوع منجر به از دست رفتن اعتبار و نهایتاً نیک‌نامی او خواهد شد. این دو عامل در ادبیات بانکداری می‌گردد. این چنان اهمیتی برخوردارند که به‌عنوان ابزار سیاست‌گذاری در راستای مدیریت انتظارات کارگزاران اقتصادی استفاده می‌شوند، که یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده وضعیت پولی هر اقتصادی است. مبنای اصلی این اعتبار و نیک‌نامی به میزان ارائه اطلاعات قابل اتکا توسط دولت به مفهوم State و قائل بودن به اجرای سیاست‌های مبتنی بر این اطلاعات و عدم تخطی از آنها بر می‌گردد. رئیس کل جدید بانک مرکزی در خلال اعلام بسته جدید ارزی به این نکته ظریف اشاره کرد که «بند باید کمتر صحبت کنیم و بیشتر بیانیه بدهیم، بنابراین از من توقع مصاحبه زیاد نداشته باشید.» این نکته بسیار مهمی است که سیاست‌گذار قبل از هر مصاحبه جانب‌کلی کلمات مورد استفاده در مصاحبه خود را بسنجد چرا که هر کدام از این کلمات می‌توانند در شکل‌گیری انتظارات در اقتصاد اثرگذار باشد. اهمیت این موضوع تا جایی پیش می‌رود که گاهی وظیفه دولت در اقتصاد پولی به‌طور خلاصه به‌صورت ارائه اطلاعاتی تعبیر می‌شود که بازار در تولید آن شکست می‌خورد و این اطلاعات و وضعیت انتظارات در اقتصاد را تعیین می‌کند. این موضوع را با افزایش قابل توجه مراجعه افراد در چند وقت اخیر به شبکه‌های اجتماعی (حتی فیلتر شده) در جهت رسیدن به اطلاعاتی که بتوانند آنها را از نااطمینانی موجود در بازار برهانند، می‌توان به‌خوبی دید، در حالی که سیاست‌گذار می‌توانست اطلاعات را با قابلیت اتکای بالاتر اختیار عموم قرار دهد. البته ارائه این اطلاعات بدون هزینه نخواهد بود چرا که اخباری چون ممانعت از در اختیار قرار دادن شبکه‌های پیش‌فروش شده توسط بانک مرکزی به وضوح اعتماد به سیاست‌گذار را ویران خواهد کرد. درست است که این سیاست مشکلاتی داشت اما زمانی که اجرایی شده، حتی خبر عدم اجرای دقیق و کامل آن می‌تواند اعتبار و نیک‌نامی سیاست‌گذار را به شدت تحت تأثیر قرار دهد. بانک مرکزی برای رسیدن به اعتبار و نیک‌نامی خود ناچار به تحمل هزینه‌های بالایی است. چنانچه رئیس کل بانک مرکزی اعلام کرد، در اجرای بسته سیاست‌آری جدید هیچ مشکلی وجود ندارد چرا که تراز تجاری کشور مثبت است، حال که چنین سخنی گفته شده، بانک مرکزی باید در ابتدای امر در بازار ثانویه به‌صورت کاملاً فعال عمل کند تا اعتماد به سیاست‌گذار باز گردد و اثرات سوء تعطیلی صرافی‌ها در چند ماه اخیر از بین رود. البته باید گفت که بازسازی اعتبار و نیک‌نامی بانک مرکزی خود نیازمند اصول اولیه‌ای است که همراهی کل بدنه نظام را می‌طلبد. این اصول اولیه را می‌توان در هفت بند دید: ۱- ثبات قیمت‌ها، ۲- همراهی سیاست مالی با سیاست پولی چرا که عامل ثبات بلندمدت خواهد بود، ۳- پرهیز قاطع از ناسازگاری زمانی، ۴- پندنگری و نگاه به شرایط آتی اقتصاد در سیاست پولی، ۵- پاسخگویی به نتایج اعمال سیاست چرا که این یک اصل اولیه در دموکراسی است. (باید گفت که سیاست پولی اقتصاد ایران از این بند به شدت ضربه خورده چرا که مسوولان این بخش هیچ‌گاه پاسخگو نبوده‌اند) ۶- سیاست پولی باید به ثبات تولید و نوسانات قیمت‌ها بسیار حساس باشد. (اجرای اصول قبلی بدون نگاه به این بند، اقتصاد را به ثبات نخواهد رساند) ۷- نهایتاً ثبات مالی که باید در میان مدت در نظر گرفته شود چرا که در صورت عدم حصول به این هدف، سقوط اقتصادی حتمی خواهد بود.

نگاهی به معضل نظام بانکی

بانک‌ها چگونه بنگاه‌داری می‌کنند؟



امین قلعه‌ای، روزنامه‌نگار

«بانک‌ها بنگاه‌داری می‌کنند. جلوی بنگاه‌داری بانک‌ها را بگیرد. بانک برای بنگاه‌داری نیست... البته باید از اول جلوی مشکلات گرفته شود، اما می‌توان با روش‌های مؤثر، با آن دسته از مراکز مالی که برای مردم مشکل به وجود می‌آورند، برخورد کرد.» این جملات بخشی از سخنان رهبر انقلاب در دیدار اخیر با اعضای هیات دولت است. مشکلات ساختاری نظام بانکی از جمله مباحثی است که در طول سال‌های اخیر بارها از سوی اقتصاددانان مورد تأکید قرار گرفته است. اقتصاددانان معتقدند که نحوه اداره نظام بانکی ایران یکی از ریشه‌های اصلی بحران اقتصادی امروز جامعه ایران است. مشکلاتی که بی‌توجهی به آنها در دهه‌های اخیر امروز کار را به جایی رسانده است که رئیس کل جدید بانک مرکزی که خود سال‌ها از مدیران بانکی کشور بوده است، از لزوم اصلاح فوری آن سخن می‌گوید. اصلاحی که البته بیشتر به یک جراحی عمیق شبیه است و ممکن عوارضی سخت و دردناک برای اقتصاد ایران به بار بیاورد.

چرا بانک‌ها بنگاه‌داری می‌کنند؟

بر اساس علم اقتصاد، بانک یک نهاد اقتصادی است که وظیفه تجهیز و تخصیص منابع، عملیات اعتباری، عملیات مالی، خرید و فروش ارز، نقل و انتقال وجوه، قبول امانات، نگهداری سهام و اوراق بهادار و اشیای قیمتی مشتریان و وظایف پر شمار دیگری را بر عهده دارد و در نظر مردم، بانک به عنوان محلی برای قبول سپرده و پرداخت وام و تسهیلات شناخته می‌شود. در چند سال اخیر به واسطه برخی اتفاقات اقتصادی و سیاسی، قدرت وام‌دهی بانک‌ها کاهش یافته است. عباس کمربتی، کارشناس ارشد حوزه بانکداری در مورد ریشه‌های شکل‌گیری بنگاه‌داری بانک‌ها در کشور می‌گوید: «بررسی دقیق موضوع بنگاه‌داری بانک‌ها به بررسی بستر قانونی و مقرراتی بانک‌ها برای ورود به بنگاه‌داری و سرمایه‌گذاری

نیاز دارد؛ به استناد بند ۳ ماده ۳۴ قانون پولی و بانکی مصوب سال ۱۳۵۱، بانک‌ها به خرید سهام و مشارکت در سرمایه‌گذاری یک یا چند شرکت و خریداری اوراق بهادار به حساب خود به میزانی در محدوده تعیین شده بانک مرکزی مجاز شده‌اند. از این ماده قانونی مستفاد می‌شود که قانون‌گذار، اجازه ورود به بحث سرمایه‌گذاری و مشارکت در سهام را به بانک‌ها اعطا کرده است؛ همچنین بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، قوانینی در زمینه بانکداری بدون ربا تعیین و مصوب شد که در این میان، بند ۲ ماده ۱۲ این قانون به موضوع سرمایه‌گذاری بانک‌ها اشاره کرده است و بیان داشته که تعیین رشته‌های مختلف سرمایه‌گذاری و حدود مشارکت در حد مصوب

برای طرح‌های سرمایه‌گذاری در اختیار بانک مرکزی است. براساس این موارد آیین‌نامه‌ای تدوین شده و در آن انواع سرمایه‌گذاری همچون سرمایه‌گذاری مستقیم تعریف شده است که در این رابطه می‌توان گفت تعریف سرمایه‌گذاری مستقیم تأمین سرمایه لازم برای طرح‌های تولیدی و عمرانی انتفاعی از سوی بانک‌ها بدون مشارکت اشخاص حقیقی و حقوقی غیربانکی است که در این میان شرط کلی برای سرمایه‌گذاری بانک‌ها

او درباره آسیب‌های بنگاه‌داری بانک‌های می‌گوید: «از آسیب‌های بنگاه‌داری می‌توان به دور شدن بانک‌ها از وظیفه واسطه‌گری وجوه، تمرکز منابع در بخش‌های خاص، ایجاد رانت برای گروه‌های مرتبط با بانک‌ها و تنگ کردن فضای رقابتی اشاره داشت؛ زیرا تا حدود زیادی ظرفیت تأمین منابع اقتصاد از طریق منابع بانکی است که اگر افراد و شرکت‌ها نتوانند منابع لازم را از طریق بانک تأمین کنند ناگزیر مبادرت به تأمین منابع از سایر اشکال خواهند کرد. بدیهی است در چنین شرایطی، مؤسساتی که قیمت تمام‌شده کمتری دارند می‌توانند سایر شرکت‌ها را از بازار خارج کنند که می‌توان این امر را یک رقابت ناسالم تلقی کرد.»

روش‌های بنگاه‌داری بانک‌ها

بانک‌ها با استفاده از منافذ قانونی موجود، همواره اشتباهات سیری ناپذیر خود به انجام فعالیت‌های اقتصادی را سیر می‌کنند. در این بین روش‌های انجام فعالیت‌های اقتصادی بانک‌ها را می‌توان در پنج روش اصلی دسته‌بندی کرد. روش اول بنگاه‌داری بانک‌ها به ساختار اول بنگاه‌داری بانک‌ها به ساختار بازار سرمایه کشور باز می‌گردد. در رابطه با چگونگی ورود بانک‌ها به بحث بنگاه‌داری باید گفت در زمانی که بازار سرمایه عمق و توسعه

از آسیب‌های بنگاه‌داری می‌توان به دور شدن بانک‌ها از وظیفه واسطه‌گری وجوه، تمرکز منابع در بخش‌های خاص، ایجاد رانت برای گروه‌های مرتبط با بانک‌ها و تنگ کردن فضای رقابتی اشاره داشت

نداشت، بانک‌ها به نوعی موظف شدند تا در راستای حمایت از بازار سرمایه، شرکت‌های سرمایه‌گذاری تأسیس کنند و با گذر زمان این شرکت‌ها و اگذار شدند؛ برای مثال شرکت سرمایه‌گذاری غدیر با هدف ورود به بازار سرمایه، بازار سازی، خرید و فروش سهام و در مجموع ایجاد رونق برای بازار سرمایه از سوی بانک صادرات ایجاد شد؛ در کنار این شرکت و به تبع آن، بانک ملی گروه توسعه ملی را ایجاد کرد و بخشی از ورود بانک‌ها به شرکت‌داری براساس سیاست‌هایی است که اتخاذ می‌شود.

روش دوم بنگاه‌داری بانک‌ها به رفتار دولت با نظام بانکی مربوط است. یکی دیگر از مواردی که بنگاه‌داری بانک‌ها را تشویق می‌کند، تمرکز منابع در بخش‌های خاص، ایجاد رانت برای گروه‌های مرتبط با بانک‌ها و تنگ کردن فضای رقابتی است.

روشنه‌های مالی و بودجه روبه‌رو بوده و اما تشخیص بر آن بوده تا یک آزادراه ایجاد شود، بانک‌ها در این زمینه موظف شده‌اند در قالب مقررات و مشارکت مستقیم شرکت‌هایی را تأسیس کنند و این شرکت‌ها تأمین منابع کرده و از این طریق آزادراه ساخته شده است.

روش سوم در بنگاه‌داری بانک‌ها، واگذاری تعدادی از شرکت‌ها از طریق رد دیون دولت به بانک‌هاست و این موضوع تنها به یک دوره اختصاص نداشته است. با توجه به بدهی دولت‌ها به برخی از بانک‌ها، تسویه بدهی‌ها در قالب واگذاری

شرکت‌ها صورت گرفته است؛ از تبعات واگذاری این شرکت‌ها، نقص اجباری حدود مقرراتی، نامناسب شدن نسبت‌های مالی و همچنین بروز مشکلاتی در رابطه با مسائل مدیریت و تأمین سرمایه در گردش واحدها و مشکلات عدیده دیگر است.

روش چهارم بنگاه‌داری بانک‌ها مربوط به ایجاد وجود شرکت‌هایی در بانک‌ها در راستای پشتیبانی از چرخه فعالیت نظام بانکداری است. از این موارد می‌توان به شرکت‌های صرافی، لیزینگ (واسپاری) و حوزه فناوری بانک‌ها اشاره کرد که در مجموع این شرکت‌ها با بنگاه‌ها تکمیل‌کننده خدمات بانک‌هاست. اما روش پنجم، ورود خود بانک‌ها به مسئله بنگاه‌داری است که عموماً در قالب مشارکت حقوقی برای تنوع بخشی به پرتفوی دارایی‌ها و مدیریت ریسک صورت می‌گیرد، با فرض رعایت نسبت‌های مقرر، مجوز ورود به سرمایه‌گذاری را دارند و خود بانک‌ها امکان انتخاب پروژه اقتصادی را دارند.

روی دیگر سکه بنگاه‌داری بانک‌ها، بانکداری بنگاه‌ها در تحلیل موضوع فعالیت اقتصادی بانک‌ها در قالب بنگاه داری باید به روی دیگر سکه هم پرداخت و آن بانکداری بنگاه‌های اقتصادی و حتی غیر اقتصادی است. در این بین پرسش اصلی این است که چرا بنگاه‌های اقتصادی در چند سال اخیر علاقه مندی به بانکداری شده‌اند؟

بخشی از این افزایش علاقه با این تصور شکل گرفته است که با تأسیس بانک، تخصیص منابع برای بنگاه‌های خود به راحتی صورت خواهد گرفت. احتمال داده می‌شود مورد دیگر، بحث جذابیت بانکداری از طریق سودآوری باشد، احتمال دارد افرادی که بانک را تأسیس می‌کنند با بررسی شرایط اقتصادی به این نتیجه می‌رسند که بانکداری نسبت به دیگر فعالیت‌ها سودآوری بهتر و بیشتری دارد.

چگونه بانک‌ها به جایگاه اصلی خود باز می‌گردند بنگاهداری بانک هم‌اکنون جدیدی نیست و سال‌هاست

بر اساس علم اقتصادی، بانک یک نهاد اقتصادی است که وظیفه تجهیز و تخصیص منابع، عملیات اعتباری، عملیات مالی، خرید و فروش ارز، نقل و انتقال وجوه، قبول امانات، نگهداری سهام و اوراق بهادار و اشیای قیمتی مشتریان و وظایف پر شمار دیگری را بر عهده دارد

که انتقاد از این عملکرد از سوی دولت‌های مختلف مطرح بوده است و مطمئناً ادامه این روند منجر به وارد شدن طلمات زیادی به اقتصاد کشور خواهد شد. در حقیقت با توجه به درآمد قابل توجه بانک‌ها از بنگاهداری، آنها تمایل دارند تا به جای بانکداری که شغل اصلی آنهاست بنگاه‌داری کنند. این در حالی است که رسالت اصلی بانک‌ها این است که منابع را در اختیار تولیدکنندگان و سرمایه‌داران قرار دهد تا آنها بتوانند مشکلات نقدینگی تولید و صنعت را حل کنند.

یکی از راهکاری‌هایی که در دولت یازدهم و دولت دوازدهم از سوی وزارت اقتصاد برای حل این معضل مطرح است واگذاری دارایی‌های غیر ضرور بانک‌هاست. کل عدد واگذار شده از دارایی بانک‌ها در این قالب در طی ۵ سال گذشته حدود ۱۳ هزار میلیارد تومان بوده و بر نامه برای افزایش ناگهانی آن ۳ هزار میلیارد تومان اعلام شد. اندازه این اعداد نسبت به اندازه دارایی موهومی که در ترازنامه بانک‌ها موجود است بسیار اندک است.

این عدد همچنین نسبت به کل دارایی سیستم بانکی هم اندک است (حدود ۲ درصد) و در واقع انجام آن به‌سود معناداری در سمت راست ترازنامه بانکی ایجاد نمی‌کند.

در بسار ه امار کل بنگاهداری بانک‌ها (جدی‌ای از مستغلات) اعداد مشخصی ابراز نشده است، بانک مرکزی در انتهای سال ۹۴ عدد ۳۸ هزار میلیارد تومان را ذکر کرده که با توجه به واگذاری‌های انجام شده و یاد نظر گرفتن مقدار افزایش شاخص در این سال‌های بسرورد منطقی در طی این سال اکنون کمتر از ۵۰ هزار میلیارد تومان است. مجدداً سهم این عدد از کل ترازنامه بانکی حدود ۲.۵ درصد است. به بیان دیگر واگذاری همه شرکت‌های بانکی هم اساساً تغییر معناداری در ترازنامه ایجاد نمی‌کند.

اینگونه به نظر می‌رسد که راهکارهای خروج بانک‌ها از بنگاه‌داری و کنار رفتن بنگاه‌ها از بانک‌داری نیازمند مهندسی معکوس همه روش‌هایی است که در ابتدای این گزارش به آنها اشاره شد. البته عبدالناصر همتی رئیس کل جدید بانک مرکزی، پیش‌تر و در آن هنگام مدیرعامل بانک ملی بود در مورد راه حل اصلی مقابله با بنگاه‌داری بانک‌ها گفته بود: «اگر مسوولان بانک مرکزی می‌خواهند بنگاهداری بانک‌ها برچیده شود، باید مشکلات را ریشه‌ای حل کنند، ضوابط نظارتی برای همه کامل اجرا شود و با آزادسازی نرخ‌ها و شرایط، بانک‌ها بر اساس قدرت مدیریت خود اداره شوند.»